

تاریخ و تمدن اسلامی، سال سیزدهم، شماره بیست و پنجم، بهار و تابستان ۱۳۹۶، ص ۲۱-۵۵

ظروف سفالی آلبارلو: شناخت و طبقه‌بندی آنها در جهان اسلام^۱

سید هاشم حسینی

دانشیار باستان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

حسین سپیدنامه^۲

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

چکیده

یکی از فرم‌های رایج سفالینه‌ها در جهان اسلام، ظروف سفالی موسوم به «آلبارلو»^۳ است که از لحاظ تزئین و تکنیک ساخت دارای تنوع بسیار است. مطالعه و شناخت دقیق این فرم سفالی و شاخصه‌های تزئینی آن از ایران تا شمال آفریقا، از مهم‌ترین اهداف این پژوهش است. براساس پژوهش انجام‌شده، ظروف سفالی آلبارلو به دو گروه بدنه استوانه‌ای و اندکی مقعر (گلدانی شکل)، و بدنه محدب (خمچه مانند) قابل طبقه‌بندی است؛ سفالینه‌های استوانه‌ای و مقعر برای داروهای خشک، مانند ادویه‌جات و ضماد، و سفالینه‌های بدنه محدب برای داروهای مایع کاربرد داشته است. تولید این ظروف سفالی از سده چهارم هجری در ایران رواج داشته و با گسترش تکنیک‌های سفال‌گری در اواسط دوره سلجوقی و تولید انبوه آن (به‌ویژه سفال زرین‌فام) در ایران و مناطق غربی جهان اسلام چون سوریه، مصر و اسپانیا ارتباط مستقیم یافته است.

کلیدواژه‌ها: هنر سفال‌گری، ظروف دارویی، فرم آلبارلو.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۳/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۵/۲۰. از راهنمایی‌های ارزنده استاد احمد صالحی کاخکی (دانشگاه هنر اصفهان)، و هم‌چنین مسؤولین محترم موزه ملی ایران، موزه آبگینه تهران، موزه هنرهای تزئینی اصفهان (مجموعه سماوی)، که دسترسی به اطلاعات و تصاویر برخی از سفال‌های مورد مطالعه را فراهم ساختند، سپاسگزارم.

۲. رایانامه (مسئول مکاتبات): h_sapid@yahoo.com

مقدمه

یکی از فراوان‌ترین و قابل دسترس‌ترین یافته‌های باستان‌شناسی از دوره نوسنگی تا دهه‌های اخیر، سفال است که مناسب‌ترین داده باستان‌شناختی برای شناخت افکار و اعتقادات، علوم و فنون، اقتصاد و ارتباط اقوام و ملت‌ها محسوب می‌شود. اگر بتوان سفال‌های تولیدشده در کارگاه‌های گوناگون را از یکدیگر تشخیص داد، می‌توان توزیع آنها را از طریق نظام مبادله‌ای پیگیری کرد. تأثیر گسترده هنر سفال‌گری چین بر سفال‌های خاورمیانه در دوران اسلامی سبب شده است تا کمتر به تأثیر ایران و جهان اسلام بر جنبه‌های کاربردی ظروف سفالین پرداخته شود. ایران و نواحی غربی جهان اسلام، چون سوریه و مصر در دوره اسلامی همواره دارای ارتباطات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بوده‌اند که این تأثیرات را به بهترین شکل می‌توان براساس مدارک باستان‌شناختی، هم‌چون معماری و تزیینات وابسته به آن، سفال‌گری، شیشه‌گری و فلزکاری مورد مطالعه قرار داد. از آنجاکه تا کنون بیشترین تأکید درباره چگونگی تأثیرات هنر سفال‌گری ایران و کشورهای غربی جهان اسلام، بر تأثیرات سفال زرین‌فام استوار بوده است، نگارندگان در این پژوهش به مطالعه موردی یکی از گونه‌های سفالی مشترک بین ایران و نواحی غربی جهان اسلام، موسوم به «آلبارلو» خواهند پرداخت که هنوز مطالعه دقیقی به وجوه مختلف این موضوع، از جمله: فرم، تکنیک ساخت و تزیینات آن، نیز پیشینه و نمونه‌های قدیم، مهم‌ترین مراکز ساخت آنها و تأثیر و سهم سنت‌های سفال‌گری کشورهای چینی، سوریه و مصر در توسعه این فرم سفالی اختصاص نیافته است. آلبارلو نامی ایتالیایی است که به کوزه‌های کمرباریک یا استوانه‌ای شکل با گردن گیلویی دار، حاوی مواد دارویی در ادویه‌فروشی‌ها یا داروخانه بیمارستان‌ها اطلاق شده است (تصویر ۱). نخستین نمونه‌های آلبارلو به سوریه در سده هفتم هجری نسبت داده شده؛ هرچند دارای اصالت ایرانی هم دانسته شده است.^۴ این نام مشتق از واژه

۴. آلن، ۲۶، ۴۸؛ برای مطالعه بیشتر نک. رایس، ۱۴۶؛ بهنسی، ۳۵۷؛ محمدحسن، ۱۶۳؛ برند، ۱۱۲؛

Arnold and Guiliume, 126.

عربی «البرنيه» به معنای ظرف‌هایی برای نگهداری داروها یا ادویه‌جات است.^۵ براساس تصویر سرلوحه یک نسخه خطی موجود در کتابخانه مسجد ایاصوفیه منتسب به سال ۶۲۱ هـ، انواع ظروف دارویی در یک قفسه در داروخانه به نمایش گذاشته شده (تصویر ۲) که می‌توان بر اساس این تصویر، فرم‌های زیادی از ظروف دارویی را تشخیص داد. هم‌چنین فرم‌های بدنه محدب در قفسه و سفال‌های استوانه‌ای در روی زمین در کنار عطار، در یک نگاره دیگر از سده هفتم هجری به چشم می‌خورد (تصویر ۳). بنابراین ظروف دارویی سفالی بدنه محدب را که از آنها با نام خمچه یاد می‌شود، می‌توان در گروه سفالی آلبارلو قرار داد. افزون بر موارد یادشده، رشیدالدین، پزشک دربار آباقاخان، می‌نویسد که در بیمارستان تبریز هزاران ظرف چینی با ارزش هنری وجود داشت که در آنها انواع داروها نگاه‌داری می‌شد، اسم دارویی که در ظرف وجود داشت روی آن نوشته شده بود.^۶

این پژوهش در پی پاسخ به چند پرسش است: ۱. سفال آلبارلو در چه برهه زمانی در ایران و جهان اسلام رواج داشته است؟ ۲. وجوه اشتراک و افتراق این فرم سفالی در ایران و جهان اسلام به لحاظ فرم، تکنیک و تزیین چیست؟ ۳. سنت‌های سفال‌گری ایران در دوران اسلامی چه تأثیری بر فرم و تزیین این نوع سفال داشته است؟ روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی است و شیوه گردآوری اطلاعات نیز به صورت استفاده از منابع کتابخانه‌ای و بازدید میدانی از برخی موزه‌های ایران بوده است. از محدودیت‌های پژوهش حاضر صعوبت دسترسی مستقیم به سفال‌های مورد مطالعه بوده است: نگارندگان، بسیاری از نمونه‌های جامعه آماری تحقیق را از وبسایت موزه‌های بزرگ جهان (متروپلیتن، لوور، بروکلین، ویکتوریا و آلبرت) و هم‌چنین کتب موجود در زمینه سفال‌گری ایران و جهان اسلام گرد آورده‌اند. در این پژوهش ابتدا فرم استوانه‌ای و بدنه مقعر آلبارلو، سپس فرم سفال‌های بدنه محدب که نگاره‌های تاریخی و هم‌چنین تزیینات و کتیبه‌های آنها حاکی از کاربرد آنها به

۵. محمدحسن، ۱۶۳؛ برند، ۱۱۲.

۶. الگود، ۳۷.

عنوان دارودان است مطالعه و بررسی خواهد شد.

پیشینه پژوهش

براساس آگاهی‌های نگارندگان تا کنون در باب فرم سفالینه‌های موسوم به «آلبارلو» در مناطق مختلف جهان اسلام و مقایسه نمونه‌های بازمانده، نیز تأثیر آنها بر یکدیگر و سیر تاریخی تحولات آن از لحاظ تکنیک، فرم و تزیین بررسی و تحلیلی صورت نگرفته است. برخی از پژوهشگران، دسته‌ای از آلبارلوهای اروپایی در دوره رنسانس، موسوم به ماجولیکا^۷ را مطالعه و بررسی کرده‌اند. برنارد رکهام^۸ به مطالعه آلبارلوهای ساخته‌شده در سده‌های هفدهم و هجدهم میلادی در کشورهایی چون ایتالیا، انگلستان و هلند پرداخته است که در حفاری‌های لندن و آکسفورد به دست آمده بودند. وی به لحاظ فرم، آنها را به دو دسته، ظروف دهان‌گشاد^۹ برای داروهای خشک و هم‌چنین روغن یا پماد و ظروف لوله‌دار یا ناودانی برای داروهای مایع تقسیم کرده که ظروف دهان‌گشاد معمولاً تغییر یافته آلبارلوهای سنتی بوده‌اند.^{۱۰} افزون بر اینها، نخستین گام در معرفی دقیق برخی از نمونه‌های آلبارلو در جهان اسلام، رساله دکتری هادن^{۱۱} با عنوان «ظروف لعابدار ظریف سده هشتم هجری تولید شده در ایران، و مقایسه با نمونه‌های معاصر آنها از گروه سفال‌های مطلق به "اردوی زرین" و ممالیک مصر و سوریه»، با تکیه بر شکل و نقش‌مایه‌های این فرم سفالی در دوره‌های ایلخانی و ممالیک است؛^{۱۲} هرچند او نیز در این اثر، بسیاری از نمونه‌های پیش از دوره ایلخانی و حتی ایلخانی را بررسی نکرده است؛ نمونه‌هایی که مطالعه آنها می‌توانست به شناخت ما از روند دقیق فرم، تکنیک ساخت و شاخصه‌های تزیینی آلبارلو در هر دوره و

7. Maiolica

8. Rackham, Bernard

9. Jar

10. Rackham, 23.

11. Haddon

12. Haddon, 220-230.

منطقه بیفزاید. اکبری در پایان‌نامه‌اش تحت عنوان «بررسی و مطالعه مجموعه سفال‌های زرین‌فام مخزن موزه چهلستون» به بررسی و مطالعه یک سفال آبارلوی زرین‌فام و مقایسه آن براساس شکل، نقش و ترکیب‌بندی پرداخته است؛ ولی از آنها با نام «گلدان» یاد کرده^{۱۳} که نشان می‌دهد کاربرد این فرم سفالی هنوز ناشناخته بوده است.

آبارلوهای بدنه استوانه‌ای و مقعر

نخستین معیار برای مطالعه ظروف آبارلو در این پژوهش، همانندی آنها با سفال‌های آبارلوی بدنه استوانه‌ای و مقعر مناطق غربی اسپانیا و ایتالیا است؛ با این پیش‌فرض که این فرم سفال از جهان اسلام به این مناطق وارد شده است. افزون بر شباهت فرم آبارلوهای اروپایی با نمونه‌هایی از سفالینه‌های جهان اسلام، کتیبه‌های منقوش به رنگ سیاه و آبی در زمینه شفاف بر روی برخی از سفالینه‌ها اشاره به دارودان بودن آنها دارد. یکی از این نمونه‌ها، سفال‌های آبی و سفید منتسب به دوره مملوکان، در سوریه است که با بررسی کتیبه‌ها و نقوش تزینی آنها می‌توان بر دارودان بودن آنها صحه گذاشت. دو نمونه از آبارلوهای کتیبه‌دار در موزه سفال شهر سورس^{۱۴} (تصویر ۴) و موزه لوور (تصویر ۵) نگهداری می‌شوند. آبارلوی موجود در موزه ملی سفال سورس، ۳۶ سانتی‌متر ارتفاع دارد و به سوریه در سده هفتم هجری نسبت داده شده است.^{۱۵} کتیبه آن، مانند کتیبه آبارلوی موزه لوور، منتسب به سده هشتم دانسته شده و مربوط به داروی مقوی جنسی است. در بدنه این دو ظرف، کتیبه ثلثی به رنگ تیره در زمینه روشن طراحی شده که شباهت به قلم ثلث به‌کاررفته در آثار هنری دوره ایلخانی دارد؛ لیکن تزین زمینه آن، با ساقه و شاخ و برگ‌های پراکنده، از چینی‌های آبی و سفید در این دوره اقتباس شده است. دسته دیگری از این

۱۳. اکبری، ۱۵۷-۱۵۸.

14. sevres

۱۵. درگاه اینترنتی قطر، تاریخ دسترسی ۱۳۹۵/۱/۳۰.

سفال‌ها که دارای فرم و تزیین یکسانی‌اند احتمالاً در یک کارگاه تولید شده‌اند (تصویر ۶). آنها اندازه یکسان، بدنه یا کمر استوانه‌ای (اندکی مقعر)، شانه افقی و گردن گشاد مخروطی و دهانه‌ای ضخیم دارند و با طرح‌های همانندی به رنگ آبی، زیر لعاب شفاف نقاشی شده‌اند. نقش شاخ و برگ‌ها با ترکیب گل رزت و لوتوس و برگ‌های دندان‌ه‌ای در هر دو، به وسیله خطوط دوگانه افقی از یکدیگر مجزا شده‌اند. این آلبارلوها که در ایتالیا کشف شده‌اند احتمالاً با محتوای مواد دارویی آنها به اروپا صادر شده بودند. تزیینات آبی و سفید در زیر لبه تا کف سفال به شش لایه از خطوط موازی تقسیم شده، و نوار پهن میانی بدنه در زمینه‌ای لاجوردی با نقوش گل سوسن سفید روی زمینه‌ای از برگ‌ها و پرندگان در حال پرواز زینت یافته است. تزیین گردن، بالای باند و پایه با یک تاج گل و ساقه‌های گل‌دار پیچان در این ظرف سفالی، به طرز کاملاً محسوسی، یادآور تأثیرات هنر چین هستند. در سیاهه‌ای از اموال پادشاه فرانسه، کارلوس پنجم (۱۳۶۸-۱۳۸۰)، «ظرف از دمشق با زنجبیل تازه»، و در سیاهه‌ای از مجموعه کاسمو مدیسی (کاسمو داروگر)، سه آلبارلو از دمشق به تاریخ ۱۴۵۶ م ذکر شده است. گل سوسن، نخستین بار در سرزمین‌های اسلامی منطقه خاورمیانه و در آثار هنری زنگی‌ها (۱۱۲۷-۱۲۲۲) مورد استفاده قرار گرفت؛ چنان‌که طرح این گل روی محراب مدرسه‌ای در دمشق، و روی دو ستون در محراب مسجد اعظم حما در دوره امارت نورالدین محمد زنگی در سده دوازدهم هجری اجرا شده است.^{۱۶} نمونه چنین سفال‌هایی در موزه لوور پاریس^{۱۷} نیز وجود دارد که نشان‌دهنده گروه منسجم و پرشماری از این فرم و تزیین است؛ لیکن تاکنون هیچ آلبارلویی با تکنیک آبی و سفید در گستره جغرافیایی ایران مشاهده نشده است؛ بنابراین به احتمال زیاد، تنها آلبارلوه‌های سوریه دوران مملوکی با این تکنیک ساخته شده‌اند.

16. Akbarniya, 134.

17. cat. No. 94-95.

لعاب رنگارنگ (ساری)

اگر فرم این سفال‌ها در سفال‌گری ایران و جهان اسلام را، مبنایی برای شناخت ظروف سفالی موسوم به آلبارلو قرار دهیم، یکی از قدیم‌ترین نمونه‌های آلبارلوهای ایران، سفال منقوش رنگارنگ منتسب به سده چهارم هجری است که از حفریات ری به‌دست آمده است.^{۱۸} (تصویر ۷). این سفال با خمیر گلی دارای کف تخت و گردن کوتاه است. برای ایجاد زمینه سفید، ابتدا سطح بیرونی این ظرف را با پوشش گلی^{۱۹} به رنگ روشن پوشانده و سپس با خطوط راه راه عمودی، با لعابی به رنگ‌های قهوه‌ای، زرد و ارغوانی نقاشی کرده‌اند. سفال‌های منقوش رنگارنگ و نقوش رنگی روی لعاب گلی، مربوط به سده‌های سوم و چهارم هجری و موسوم به سفال ساری یا روستایی هستند. در میان مراکز ساخت و اشاعه این سفال، شهرهایی چون نیشابور، جرجان و ساری از اهمیت برخوردارند؛ چنان‌که میکامی این شیوه را از ابتکارات سفالگران ایرانی دانسته که به دیگر نقاط جهان اشاعه یافته است.^{۲۰} اخیراً برخی از پژوهشگران به بررسی شماری از نمونه‌های سفال منقوش رنگارنگ مازندران پرداخته‌اند، لیکن به دلیل پراکندگی آثار به‌دست‌آمده از حفاری‌های باستان‌شناختی از اطراف شهر ساری، نتوانسته‌اند محل دقیق ساخت این سفال را مشخص کنند.^{۲۱} سفال‌های رنگارنگ متعلق به دورانی‌اند که کیمیاگران و تهیه‌کنندگان لعاب با رنگ‌های مختلف و اکسیدهای متنوع آشنا شده بودند و از رنگ‌های ارغوانی تیره، سیاه، قهوه‌ای، زرد و آخراپی به صورت پوشش نازک روی زمینه مات و پوشش گلی استفاده می‌کرده‌اند.^{۲۲}

۱۸. این سفال اکنون به شماره RH 4796 در موزه هنرهای شرقی شیکاگو نگه‌داری می‌شود.

19. slip

20. Mikami, 360.

۲۱. براری، ۴۶.

۲۲. توحیدی، ۲۶۳.

لعاب پاشیده

تکنیک لعاب پاشیده از نمونه‌های منحصر به فرد آلبارلوهای ایران است که ساخت آن به ری در سده ششم هجری نسبت داده شده^{۲۳} (تصویر ۸) و ظاهراً تا کنون، فقط یک نمونه از آن در موزه ویکتوریا و آلبرت موجود است. این ظرف سفالی سفید مایل به صورتی، با لعاب قلیایی کم‌رنگ است که رگه نواری از رنگ آبی از قسمت پایین ظرف به سمت بالای بدنه آن پاشیده‌اند.

لعاب تک‌رنگ

از نمونه‌های کمتر متداول و شناخته‌شده آلبارلو، سفال‌های تک‌رنگ فیروزه‌ای ایران است. یکی از این ظروف که احتمالاً توسط صاحب آن (احتمالاً قبل از حمله مغول) در شهر جرجان دفن شده و سالم مانده است هم اکنون در موزه متروپلیتن نگهداری می‌شود (تصویر ۹). بدنه این ظرف، حالت خیاره‌ای داشته و با خمیر سنگی و لعاب تک‌رنگ فیروزه‌ای ساخته شده است. قسمت پایه ظرف، فاقد لعاب، و تنها شُرّه لعاب بر آن به صورت قطرات اشکی دیده می‌شود. در کاتالوگ اثر، این ظرف به پیش از ۱۲۲۰م (سده ششم ه) و ساخت آن به کاشان نسبت داده شده است. دو نمونه دیگر از این فرم سفالی وجود دارد: یکی در مجموعه سماوی که اکنون در گنجینه هنرهای تزئینی اصفهان نگهداری می‌شود و با توجه به این‌که در معاملات خصوصی به دست آمده است، محل کشف آن معلوم نیست؛ و دیگری که در کاوش‌های نیشابور به دست آمده و همانند نمونه متروپلیتن، دارای بدنه خیاره‌ای است، با این تفاوت که با لعاب آبی پوشیده شده است.^{۲۴} سفال‌های یادشده فاقد هرگونه تزیین دیگری‌اند. سفال مجموعه سماوی ۱۹/۵ سانتی‌متر ارتفاع دارد و

۲۳. این ظرف که ابعاد آن در کاتالوگ موزه‌ای مشخص نشده است، اکنون در موزه ویکتوریا و آلبرت (به شماره C. 109-1945) نگهداری می‌شود.

24. Dimand and Wilkinson, 17.

ظروف سفالی آلبارلو: شناخت و طبقه‌بندی آنها در جهان اسلام/ ۲۹

قطر دهانه و پایه آن هشت سانتی‌متر است؛ اما، ابعاد و اندازه سفال‌های یافت‌شده در جرجان و نیشابور در منابع منتشرشده، نیامده است. ساخت سفال با لعاب تک‌رنگ در دوران ساسانی و سراسر دوران اسلامی متداول بوده؛ هرچند تحول، شکوفایی و گسترش آن در دوره سلجوقی و خوارزمشاهی رخ داده است.^{۲۵} این تحول نتیجه آشنایی سفالگران دوره سلجوقی با خمیر سنگی است که هم‌زمان با آنها در دوره سونگ در چین، متداول بوده است.^{۲۶} نمونه‌های سفال تک‌رنگ آلبارلو در نواحی غربی جهان اسلام عمدتاً به سده هفتم هجری منتسب‌اند. یکی از این ظرف‌ها که در کاوش‌های مصر به دست آمده (تصویر ۱۰)، دارای بدنه خیاره‌ای مشابه نمونه‌های ایرانی، لعاب سفید کم‌رنگ، گردن و پایه تورفته و لبه به خارج برگشته است و اینک در موزه ویکتوریا و آلبرت نگهداری می‌شود^{۲۷} (درگاه اینترنتی موزه تاریخ، دسترسی ۱۳۹۵/۵/۲۰).

نقش قالب‌زده

از نمونه‌های جالب آلبارلوهای ایرانی، آنهایی‌اند که به روش تزئین افزوده یا قالب‌زده منقوش شده‌اند. پوپ در کتاب هنر ایران به معرفی یکی از آنها پرداخته که از ری به دست آمده و به سده‌های ششم و هفتم هجری نسبت داده شده است. این سفال با ارتفاع ۲۵ سانتی‌متر، با لعاب آبی لاجوردی و نقش برجسته انسانی شامل مردان رقصنده‌ای است که لباس‌های بلند و چین‌دار و چکمه‌های بلند پوشیده‌اند و در یک ردیف، در زمینه‌ای از نقوش اسلیمی، دست در دست یکدیگر دارند (تصویر ۱۱). هم‌چنین سفال دیگری منتسب به سده ششم و هفتم، از حفاری‌های ری به دست آمده است (تصویر ۱۲) که با ۲۹ سانتی‌متر ارتفاع، ۹/۵ سانتی‌متر قطر دهانه، خمیره نخودی، پایه مقعر و لبه به خارج برگشته، نزدیک‌ترین

۲۵. گروه، ۱۲۹.

۲۶. کریچی، ۳۴.

نمونه به آلبارلوی سفالی پیشین است؛ قسمت پایینی بدنه ظرف به صورت شیارهای موازی عمودی است که با یک نوار باریک از قسمت بالا جدا شده است. در این سفال نیز، نیمه فوقانی بدنه، حاوی تصویر ده مرد رقصنده است که در یک ردیف دست‌هایشان در یکدیگر حلقه شده و کل پس‌زمینه با نقوش اسلیمی تزیین یافته است. در بالای این نقوش در حاشیه‌ای باریک، یک ردیف نقوش مارپیچ در هم گره‌خورده، نقش گردیده و روی گردن ظرف، شیارهای باریک عمودی موازی هم، طراحی شده است. افزون بر تزیین قالب‌زده، بارزترین وجه اشتراک نقوش این دو ظرف، نقش برجسته مردان رقصنده است که چنین صحنه‌ای در یک مشربه با لعاب لاجوردی و نقش قالب‌زده موسوم به «رقص مجوسان» یا «رقص دستبند» به دین زرتشتی ارتباط داده شده؛ لیکن فرم رقص و نگه‌داشتن دست‌ها و قرارگیری پاها شبیه سنت کهن رقص ترکی دانسته شده است.^{۲۸} انتساب محل تولید این شیوه تزیین آلبارلو به ری، منطقی به نظر می‌رسد، زیرا ری از شهرهای معتبر دوره سلجوقی در زمینه سفال‌گری بوده است.^{۲۹}

سیلهوتو^{۳۰}

از دیگر تکنیک‌های فنی سفال‌گری به‌کار رفته در تولید سفال دارودان و قابل انتساب به آلبارلو، شیوه سیلهوتو_آبی و سیاه_ است که مرکز تولید آن شهرهای نیشابور، کاشان، ری، جرجان، استخر و نیز شمال‌غرب ایران بود^{۳۱} و ساخت آنها در حدود ۵۸۷ هـ متداول شد.^{۳۲} نیمه بالایی بدنه ظروف آلبارلوی منقوش سیاه بر زمینه آبی (سیلهوتو)، با کتیبه ثلث و نیمه پایینی آنها با خطوط عمودی تقریباً پهن تزیین شده، که می‌توان احتمال داد، همه در یک

۲۸. گروه، ۱۴۵.

۲۹. دیمانند، ۱۷۱.

30. Silhoutto

۳۱. توحیدی، ۲۷۳؛ کیان‌اصل، ۳۵.

۳۲. رایس، ۷۶.

ظروف سفالی آلبارلو: شناخت و طبقه‌بندی آنها در جهان اسلام ۳۱/

کارگاه سفال‌گری تولید شده باشند (تصاویر ۱۳- ۱۵). در کاتالوگ هیچ یک از این ظروف، از نوشته‌های کتیبه مطالبی ارائه نشده است؛ لیکن آلبارلوی موزه بروکلین^{۳۳} با کلماتی چون اقبال (موفقیت و کامیابی) تزیین شده که با کاربرد این ظروف بی‌ارتباط نیست. تزیین این آلبارلو با ماهی‌های دور گردن آن، قابل مقایسه با سفالینه‌های کاشان است؛ بنابراین شاید بتوان مرکز ساخت این سفال‌ها را کاشان دانست. این شیوه تزیینی در هیچ یک از ظروف دارویی تولید سوریه و مصر دیده نشده است.

فیروزه قلم مشکی

طی سده‌های ششم و هفتم هجری نقوش تزیینی سفال‌ها، به شیوه زیر لعاب و معمولا به رنگ مشکی زیر لعاب فیروزه‌ای مرسوم بوده است که این شیوه را فیروزه قلم مشکی نیز نامیده‌اند.^{۳۴} برخی از پژوهشگران، مراکزی چون کاشان، سلطان‌آباد، ساوه، سلطانیه، ری، جرجان، نیشابور، سمرقند، آمل، ساری^{۳۵} و برخی دیگر رقه در سوریه^{۳۶} را به‌عنوان مرکز تولید این سفال معرفی کرده‌اند. ظروف سفالی آلبارلوی موسوم به فیروزه قلم مشکی، همانند سفال‌های زرین‌فام از لحاظ فرم و تزیینات، نسبت به گروه‌های پیشین، تنوع بیشتری دارند. در موزه ویکتوریا و آلبرت یک آلبارلوی منتسب به ایران سده ششم هجری وجود دارد (تصویر ۱۶) که بدنه استوانه‌ای آن کمی به سمت درون متمایل شده است. افزون بر نقش سیاه در زمینه فیروزه‌ای، آنچه در این سفال چشمگیر است نمودار رنگین‌کمانی است که نقوشی بیضی شکل با خطوطی چشم‌مانند درون آنها، نقش کرده‌اند. این فرم و تزیین قابل مقایسه با آلبارلوی موزه طارقرجب کویت است و محتمل است که در یک مرکز سفال‌گری

۳۳. این آلبارلو به شماره ۴۱/۲۱۲/۴۲ در موزه بروکلین نگهداری می‌شود.

۳۴. توحیدی، ۲۷۱.

۳۵. رایس، ۷۶ و کامبخش‌فرد، ۴۶۹.

تولید شده باشند.^{۳۷} نمونه قابل مقایسه با این ظرف به لحاظ فرم، سفالی است از سوریه که در موزه ویکتوریا و آلبرت نگهداری می‌شود (تصویر ۱۷). تزئینات این سفال در قاب‌های افقی قرار دارند، شیوه‌ای که در نمونه‌های زرین‌فام رقه نیز با اندک تفاوت نامحسوس، به کار رفته و از شاخصه‌های سفال‌گری رقه شناخته شده است. از نمونه‌های دیگر آلبارلوی فیروزه قلم مشکی، ظرف سفالی موجود در موزه ملی ایران منتسب به ساوه در قرن هفتم هجری، با ارتفاع ۲۰/۵ سانتی‌متر، و قطر دهانه ۹ سانتی‌متر است (تصویر ۱۸). این ظرف دارای خمیره نخودی رنگ، پایه مقعر بدون لعاب، بدنه استوانه‌ای، گردن کوتاه و لبه برگشته به خارج بوده و نقوش هندسی بر گردن ظرف، کتیبه در قسمت فوقانی بدنه، و نقوش گل و برگ در قسمت پایینی بدنه به رنگ سیاه زیر لعاب شفاف پوشیده است.^{۳۸} ظرف یادشده، کمرباریک‌ترین فرم آلبارلوی شناخته شده در بین آلبارلوهای مورد مطالعه است.

تکنیک زرین‌فام

از مهم‌ترین ظروف آلبارلو آنهایی‌اند که با تکنیک نقاشی روی لعاب به شیوه زرین‌فام ساخته شده‌اند. در ایران شمار و تنوع شکلی و تزئینی آلبارلوهای زرین‌فام به حدی است که بحث در خصوص تزئینات آنها نیازمند پژوهشی مستقل است. جالب است که تا کنون برخی از این فرم‌های سفالی در موزه‌های ایران ناشناخته مانده است؛ چنان‌که در موزه ملی ایران، فقط یک نمونه از این ظرف‌ها دیده می‌شود (تصویر ۱۹؛ شماره ثبت موزه ملی ۴۴۶۳) که از آن با نام گلدان نام برده شده، لیکن فرم و ابعاد این ظروف دقیقاً همانند ظروف موسوم به آلبارلو است. از لحاظ تزئینی، سفال زرین‌فام قهوه‌ای موزه چهلستون اصفهان (تصویر ۱۹؛ شماره ثبت ۸۶)، که از جرجان به دست آمده، شباهت نزدیکی به سفال موزه ملی ایران دارد. ارتفاع این ظرف سفالی، ۳۴ سانتی‌متر، و قطر دهانه و کف آن ۷/۱۱ سانتی‌متر است. مهم‌ترین

۳۷. فهروری، ۱۳۸۸.

۳۸. توحیدی، ۳۲۹.

تشابه این دو ظرف سفالی در طرح روی بدنه آن، شامل نقش شش ضلعی‌های عمودی از بالا به پایین با نقش زنان نشسته با صورت‌های گرد، چشمان درشت، لباس‌های خالدار، هاله دور سر، نقوش دایره‌ای گردنه ظرف، بدون لعاب و مقعر بودن پایه ظرف و لبه به خارج برگشته آنها است. از مهم‌ترین وجوه افتراق این دو ظرف، می‌توان به چهارضلعی‌های قرارگرفته میان شش ضلعی‌ها، نقش زنجیره اسلیمی دوتایی، کتیبه‌ای با تکرار عبارت «والدو [ل۱]» در ظرف موزه چهلستون اشاره کرد.^{۳۹} نمونه‌های سوریه‌ای آبارلوهای زرین‌فام، از لحاظ فرم تا حدودی مقعرتر از آبارلوهای زرین‌فام ایرانی هستند. در یکی از این ظروف که ۲۱/۱۱ سانتی‌متر ارتفاع، و ۷/۹ سانتی‌متر قطر دهانه آن است (تصویر ۲۰)، تزیینات، بیشتر در پانل‌های عمودی به رنگ قهوه‌ای روشن و ساده‌تر به لحاظ تراکم نقوش هستند؛ چنان‌که نمونه‌های کاملاً مشابه در تکنیک قلم مشکی نیز دیده می‌شوند.

درباره تولید و گسترش اولیه سفال زرین‌فام بین پژوهشگران اختلاف نظر وجود دارد، ولی بسیاری از پژوهشگران مصر (فسطاط)، بین‌النهرین (بغداد، سامره و بصره) و سپس ایران (کاشان، ری، جرجان و ساوه) را به ترتیب از مراکز تولید این سفال معرفی کرده‌اند.^{۴۰} این ظروف از نظر تاریخی به سه دوره: اولیه (سده‌های سوم و چهارم هجری)، میانه (سده‌های پنجم تا نهم هجری؛ مقارن دوران سلجوقی، خوارزمشاهی، ایلخانی) و متأخر (قرون دهم تا دوازدهم هجری) تقسیم می‌شود.^{۴۱} سفال‌های زرین‌فام ایران مربوط به اوج ساخت ظروف زرین‌فام هستند و البته برخی از ظروف زرین‌فام سده‌های هفتم و هشتم هجری همانندی‌هایی نیز با ظروف نقاشی شده زیرلعاب دارند که ممکن است هر دو نوع در یک کارگاه تولید شده باشند.^{۴۲} تنوع شکلی و تزیینات متنوع آبارلوهای مورد بررسی

۳۹. اکبری، ۸۴-۸۵.

۴۰. توحیدی، ۲۷۴-۲۷۸؛ نیستانی و روح‌فر، ۲-۳؛ واتسون، ۱۶-۵۱.

۴۱. کریمی، ۴۸.

۴۲. آلن، ۴۸.

زرین‌فام نشان می‌دهد که مراکز سفال‌گری به ساخت این ظروف اهتمام داشته‌اند؛ گو این‌که، کاربردی بودن آنها، چنین توجهی را ایجاب می‌کرده است.

لاجوردی طلائشان

ظروف لاجوردی طلائشان از دیگر سفال‌های رایج آلبارلو هستند که دارای زمینه لاجوردی‌اند و با نقوش طلاچسبان تزیین شده‌اند. در نمونه‌های ایرانی سفالینه‌هایی که با این تکنیک تولید شده‌اند، بخش انتقالی پایه به بدنه (کمر) ظرف که با نوارهای موازی عمودی تزیین شده، قابل مقایسه با کاسه‌ها و بشقاب‌های منتسب به سلطان‌آباد در سده هفتم هجری است؛ گو این‌که کاربرد «رنک» گل رز که از نشان‌های رایج دولت ممالیک بوده^{۴۳}، انتساب برخی از این ظروف به مملوکان را هم محتمل می‌سازد (تصویر ۲۱ و ۲۲). گفته می‌شود، این نوع سفالینه منتسب به اواخر دوره ایلخانی است و براساس کتاب عرایس الجواهر و نفایس الاطایب در حدود ۷۰۱ هـ جایگزین تکنیک مینایی شده است.^{۴۴} مهم‌ترین مرکز ساخت با این تکنیک، سلطان‌آباد (در اواخر سده هفتم و اوایل سده هشتم هجری قمری) بوده است.^{۴۵} فرم آلبارلوهای درپوش‌دار به‌دست‌آمده از ایران، قابل مقایسه با بطری‌های شیشه‌ای دوران اخشیدیان و فاطمیان مصر در سده چهارم هجری است؛^{۴۶} به‌نظر می‌رسد روند مهاجرت شماری از هنرمندان مصر به ایران در پایان خلافت فاطمی و روابط تجاری دوسویه و آمدوشد تاجران در این سرزمین‌ها، با این همانندی ارتباط داشته باشد.^{۴۷}

۴۳. ذیلابی، ۱۲۵-۱۲۶، ۱۳۸.

۴۴. کاشانی، ۳۴۵.

۴۵. توحیدی، ۲۸۲.

۴۶. اتینگهاوزن و گرابر، ۲۸۶.

۴۷. صدیقیان، ۳۸-۴۷؛ مورگان، ۱۳۷-۱۴۳؛ دیمانند، ۱۴۹؛ وارد، ۸۰.

آلبارلو بدنه محدب

برخی از فرم‌های سفالی که کاربرد دارودان داشته‌اند، تاکنون مورد بررسی و مطالعه باستان-شناختی قرار نگرفته‌اند. برخی از پژوهشگران، تنها ظروف دهانه بسته گلدانی شکل، با بدنه تقریباً صاف و غیرمحدب را آلبارلو نامیده^{۴۸} و برخی دیگر به اشتباه واژه خُمچه را برای ظروف آلبالو با بدنه مقعر به کار برده‌اند؛^{۴۹} در حالی که خُمچه به معنای خُنبره (خمیره) / خم کوچک است و خُم ظرف آب و شراب و سرکه و دوشاب و امثال آن است؛^{۵۰} خم‌ها دارای بدنه محدب و شکمی است که گنجایش نگهداری مایعات و حتی ذخیره غلات را داشته است. خمچه نمونه کوچک‌تر آن به‌شمار می‌رود؛ ولی شکل سفال آلبارلوهای بدنه مقعر، بیشتر، کم‌باریک و با بدنه تورفته است. بنابراین آلبارلوهای بدنه محدب (خمچه مانند) را نیز می‌توان بر ظروفی اطلاق کرد که برای نگهداری داروهای مایع به کار می‌رفته‌اند.

برخی از سفال‌های بدنه محدب (خمچه‌ای) در سوریه مملوکی، طی سده‌های هفتم و هشتم هجری، به شیوه زیرلعابی و با رنگ‌های سیاه، آبی کُبالت و قرمز قهوه‌ای و کتیبه‌هایی تزیین شده است که مضمون کتیبه بر دارودان بودن آنها صحه می‌گذارد. یکی از این سفال‌های خمچه‌ای با رنگ «نوفر» به معنای «داروی آماده شده از آب گل زنبق» در قسمت بالای بدنه و رَنک زنبق در مرکز ظرف تزیین شده است.^{۵۱} سفال دیگری منتسب به سوریه و مصر در سده هشتم هجری/چهاردهم میلادی (دوره مملوکان)، در موزه لوور پاریس نگهداری می‌شود که ارتفاع آن ۳۲ سانتی‌متر و قطر پایه آن ۱۱/۵ سانتی‌متر است (تصویر ۲۴). تزیین نقاشی روی پوشش گلی و زیر لعاب شفاف و کم‌رنگ، تزیین گل‌های دندان‌ه‌ای روی گردن ظرف، گیاهان پس‌زمینه در پوشش خاکستری و تزیین خال‌دار شباهت نزدیکی

۴۸. فیروز و صدیقیان، ۱۱۱.

۴۹. پوپ، ۶۴۴/۹.

۵۰. محمدحسین بن خلف تبریزی، ۴۶۱-۴۶۲ و دهخدا، ۹۹۴۶/۷.

۵۱. برند، ۱۱۱؛ درباره رنوک گیاهی در دوره مملوکی، نک. ذیلابی، ۱۲۵-۱۲۶.

با سفال‌های سلطان‌آباد ایران و نقوش پوشاک‌های ایلخانی دارد. کتیبه این ظرف به روشنی کاربرد آن را به‌عنوان محفظه دارویی برای بیماران ناتوان جنسی بیان می‌کند: «فالگیر عمرش کوتاه است، آن مشک است؛ نشتا‌بیدن قانونی برای اوست. شما یک تنگ حاوی آب باران شدید و سنگین را تکان خواهید داد. اگر تقدیر حکم کند، کدر است؛ اگر سرنوشت تصمیم بگیرد، شفاف است. من سرنوشتم را به معشوق سپردم. اگر او بخواهد، به من اجازه خواهد داد که زندگی کنم، اگر او بخواهد، نابودی یک دوست را می‌آورد... و واقعا از شرارت (شیطان) رها خواهی شد».^{۵۲} خاصیت مواد درون محفظه به‌وسیله این کتیبه استعاری بیان شده است و ظاهراً می‌بایست با مشک که در طب سنتی از برانگیزاننده‌های قوای جنسی شناخته‌شده، مرتبط بوده باشد. یکی دیگر از شواهد کاربرد خمچه، ظرفی از سوره است (تصویر ۲۵) که ارتفاع آن ۲۹ سانتی‌متر، قطر پایه ۸/۳ سانتی‌متر، قطر دهانه ۹/۱ سانتی‌متر، و قطر کمر بدنه ۲۱ سانتی‌متر است و ذکر واژه «العافیة» در کتیبه، کاربرد دارویی آن را نشان می‌دهد. از نمونه‌های دیگر می‌توان به سفال‌های متعدد بدنه محدب منتسب به سده هشتم سوره اشاره کرد که نقوش آنها شامل نوارهای افقی در زمینه گل و بته است. یکی از این سفال‌های بدنه محدب، دارای ارتفاع ۲۱/۴ سانتی‌متر، قطر بدنه ۱۷/۸ سانتی‌متر و قطر حلقه پایه ۹/۵ سانتی‌متر است؛ کتیبه بدنه این ظرف در سه قسمت شامل «البر دافع الجند لا الشراب و الزمان» و نوشته‌های اطراف پایه شامل عبارات «العز الدائم الغالب المساعد الجند الصاعد» و «العز الدائم و الاقبال الزائد و الدهر المساعد» است.^{۵۳} این نوشته‌ها در سده‌های میانه بر روی ظروف دیگری، مانند کاسه و بشقاب، هم به‌کار رفته است؛ شاید بتوان گفت مضمون این کتیبه‌ها ارتباطی به کاربرد دارویی ظروف نداشته و نوعی رنک نوشتاری (خرطوش) بوده که امرا و سلاطین برای نشان دادن مالکیت این ظروف به‌کار

۵۲. امکان دسترسی به اصل کتیبه عربی ممکن نشد، لذا به ترجمه انگلیسی آن بسنده کرده‌ایم (وب سایت قطره

www.qantara-med.org)، تاریخ دسترسی ۱۳۹۵/۵/۳۱.

۵۳. گروه، ۲۶۳.

می‌برده‌اند.^{۵۴} در خور ذکر است که رَقّه و رُصافه در سده‌های ششم تا هشتم هجری، از مراکز عمده سفال‌گری به‌ویژه ظروف لعابدار صدفی چون سبوه‌های بزرگ و جادارویی‌هایی، مخصوص حمل اجناسی چون روغن، ضماد، ادویه و داروها به اروپا بود که به سبب لعاب آبی تیره و تزیین زرین‌فام صدفی در بخش‌بندی‌های افقی با طول متفاوت معروف بودند. یکی از شناخته‌شده‌ترین آنها خمچه زرین‌فام دمشق است که در دارالآثار کویت نگه‌داری می‌شود و در کتیبه آن آمده است: «یوسف آن را برای اسد اسکندرانی ساخته است».^{۵۵} اگر این احتمال را با توجه به هم‌زمانی نسبی وی با «یوسف بن علی بن محمد بن ابی طاهر» بپذیریم که امضای او بر محراب امامزاده یحیی در ورامین به سال ۷۰۵ هـ، کاشی‌های افریزی مورخ ۷۰۹-۷۱۰ هـ (موجود در موزه بریتانیا و قاهره)، محراب متعلق به داربهبشت قم (موجود در موزه ملی ایران)، و هم‌چنین کتیبه پایه مسجد قلعه در روستای قهرود (در نزدیکی کاشان)، نقش بسته است،^{۵۶} می‌توان به تأثیرات هنر سفال‌گری ایران در زمینه تولید ظروف سفالی آلبارلوی بدنه محدب به مصر و سوریه در دوره مملوکان و تعاملات فرهنگی در این دوره بین ایران و قلمرو مملوکی اشاره کرد. باید افزود که تزیینات دسته‌ای از سفال‌های مملوکی موسوم به «غیبی»^{۵۷} مشابه برخی از نمونه‌های ایرانی است؛ از مشخصه‌های بارز این سفال‌ها، استفاده از رنگ آبی بر زمینه‌های سفید، و هم‌چنین موضوعاتی چون گل انار و پرنده‌های منقاربلند و گل‌های ستاره‌ای بوده است؛^{۵۸} به‌نظر می‌رسد چندی پس از آن، تولید ظروف لعابدار صدفی در سده هشتم هجری، به دلیل

۵۴. ذیلابی، ۱۱۷-۱۳۹.

۵۵. بلر و بلوم، ۲۶۴.

۵۶. همان، ۴۹.

۵۷. درباره این وجه تسمیه گفته‌اند نخستین سازنده آن در سوریه، سفال‌گری به نام غیبی توریزی (تبریزی) بوده، که در شام و پس از آن در مصر می‌زیسته، و بستگانی به همین نام داشته است (بلر و بلوم، ۱۹۷).

۵۸. بهنسی، ۳۵۷.

ویرانگری‌های تیمور در دمشق، یا رقابت روزافزون سفالگران اسپانیایی متوقف شده باشد.^{۵۹} برخلاف نمونه‌های سوری، برخی از سفال‌های بدنه محدب ایرانی بدون هرگونه کتیبه‌ای در ارتباط با محتوای آن است (تصویر ۲۷) که با توجه به برخی شاخصه‌های تزیینی مانند پیچ گل و بته (بیشتر از گیاهان آبی) و ماهی‌های شناور قابل مقایسه با ظروف منتسب به کاشان^{۶۰}، کاسه‌ها و حتی یک آلبارلوی موزه هنری ورسستر است،^{۶۱} و برخی دیگر با توجه به فرم بخش الحاقی کف به بدنه و تزیینات آن، قابل مقایسه با سفال‌های منتسب به سلطان آباد هستند (تصویر ۲۸)، که نشان می‌دهد تولید این گونه ظروف در کارگاه‌های متعددی انجام می‌شده است.

بحث و تحلیل

برخی از پژوهشگران، ظروف آلبارلو را به عنوان نگه‌دارنده داروها یا ادویه‌جات در تجارت و صادرات مرتبط با سیسیل دانسته‌اند^{۶۲} و برخی نیز بدون توجه به نمونه‌های ایتالیایی، در نوشته‌های خود ضمن معرفی برخی از نمونه‌ها، آنها را خمچه^{۶۳} و گلدان^{۶۴} نامیده‌اند. انتساب واژه «گلدان» برای چنین فرم سفالی، منطقی به نظر نمی‌رسد؛ زیرا ظروف سفالی عمدتاً کاربردی بوده و در منابع تاریخی از گلدان سفالی یاد نشده است. هم‌چنین در صورتی که گلدان برای قرار دادن گل‌های طبیعی مورد استفاده قرار می‌گرفت، می‌بایست لبه و گردن ظرف فراخ‌تر از بدنه بوده باشد، نه بر عکس. قرینه دیگر این‌که در فاصله سده سوم تا آخر سده پنجم هجری، یکی از بهترین انواع سفال‌های شهر ری، سفال‌های موسوم به

۵۹. بلر و بلوم، ۲۶۴.

60. Ettinghausen, 118.

۶۱. Worcester، گروه، ۱۸۳.

۶۲. برند، ۱۱۲.

۶۳. پوپ، ۶۴۴/۹.

۶۴. اکبری، ۱۰۳ و توحیدی، ۳۲۹.

«مداهنه» است؛^{۶۵} مُدْهَنَه به معنای ظرف روغن^{۶۶}، می‌توانست برای مواد مشابه مثل ضماد و ادویه نیز به کار آید. نیز انتساب چندین نمونه از سفال‌های مورد مطالعه به ری می‌تواند این فرض را قوت بخشد که برخی از این سفال‌ها در دوره یادشده، به «مدهنه یا مداهنه» شهرت داشته‌اند. سفال آلبارلو در ایران در تکنیک‌های متنوع تولید و تزیین شده است که از این میان می‌توان به نقاشی زیرلعاب (فیروزه قلم مشکی، سیلهوتو، لکابی^{۶۷})، نقاشی روی لعاب (زرین‌فام، ظروف لاجوردی طلاچسبان) اشاره کرد که نشان می‌دهد این فرم سفالی همواره مورد توجه سفالگران بوده است. به طور کلی سفال‌های آلبارلو در دو دسته بدنه استوانه‌ای و در بعضی موارد اندکی مقعر، و سفال‌های بدنه محدب خمچه‌مانند قابل طبقه‌بندی است. سفال‌های استوانه‌ای و بدنه مقعر بیشتر در ایران تولید شده و مهم‌ترین نمونه‌های آن در تکنیک زرین‌فام کاشان به دست آمده است. گرچه نمونه‌های دیگری نیز در دیگر تکنیک‌های سفالی قرون میانه اسلامی چون سیلهوتو، فیروزه قلم مشکی، و لعاب پاشیده و لعاب تک رنگ و لاجوردینه پلاتشان قابل تشخیص است. این در حالی است که نمونه‌های بدنه محدب با قابلیت انتساب دقیق به دارودان بودن آنها، از مناطق غربی جهان اسلام (سوریه) به دست آمده است. مهم‌ترین دلایل انتساب این سفال‌های استوانه‌ای به محتوای دارویی آنها، فرم‌های شناخته‌شده اروپایی و هم‌چنین نمونه‌های سوریه در عصر ممالیک است که با کتیبه‌ها و نقوش مرتبطی چون گل زنبق (سوسن) تزیین شده است؛ چنان‌که در میان سفال‌های بدنه مقعر سوریه تزیین با کتیبه‌های روی سفال با کلماتی چون العافیه، نوفر یا دارویی از گل سوسن، و یا جملاتی در خصوص تقویت نیروی جنسی، به‌روشنی حکایت

۶۵. بهرامی، ۱۹۵.

۶۶. دهخدا، ۹۹۴۶/۷، ذیل واژه.

۶۷. تکنیک لکابی در قرن ۶ هجری در مراکز تولیدی سفال ایران (کاشان) و سوریه (رقه) با نقوش پرندگان و حیوانات با رنگ‌های آبی متمایل به لاجوردی و سبز کم‌رنگ در زمینه سفید طراحی شده است که یک نمونه از این نوع آلبارلو در موزه ویکتوریا و آلبرت به شماره C.129-1934 نگهداری می‌شود (نک. کامبخش‌فرد، ۴۶۱).

از محتوای دارویی آنها دارد. نمونه‌های سفالی بدنه مقعر آلبارلو در سوریه با تزیینات کاملاً مشابه با یکدیگر در پانل‌های عمودی، از خصوصیات ویژه آلبارلوهای این منطقه در سده‌های میانه اسلامی است. سفال‌های بدنه محدب بیشتر در مراکز سفال‌سازی سوریه مانند شهر رقه تولید می‌شده است؛ چنان‌که نمونه‌های کاملاً همانندی از این مرکز سفال‌گری به دست آمده که نشان‌دهنده تولید آنها در یک واحد سفال‌گری است. کتیبه‌های این سفالینه‌ها هم به روشنی به محتوای دارویی آنها اشاره دارد و قابل انتساب به سوریه در دوره مملوکان است.

علت رواج گسترده دارودان‌ها در ایران، سوریه و مصر به‌ویژه در سده‌های میانه اسلامی را می‌توان در گسترش ارتباطات بین این مراکز و اروپا دانست؛ زیرا افزون بر این‌که ایران در مسیر جاده ابریشم و تجارت با مناطق غربی چون سوریه و مصر قرار داشت، شهرهای عمده این ناحیه چون قاهره، دمشق، و حلب از ایستگاه‌های مهم تجارت بین مسیر مدیترانه و شرق بودند و شهرهای ثروتمند جنوب اروپا و لغ سیری‌ناپذیری برای داروهای بازارهای این مناطق داشته‌اند.^{۶۸} مطالعه سفال‌های یادشده در این پژوهش نشان داد که این سفال پس از افول ساخت آنها در مناطق ایران، سوریه و مصر، در کشورهای جنوب اروپا چون اسپانیا و ایتالیا رواج پیدا کرده است؛ در حالی‌که تولید این سفال‌ها پیش از این دوران، یعنی در سده‌های پنجم تا هشتم هجری/یازدهم تا چهاردهم میلادی، در اروپا سابقه‌ای نداشته است.

مهم‌ترین دلایلی که می‌توان ایران را منشأ ساخت این فرم سفالی دانست اینهاست: ۱. قدیم‌ترین سفال شناخته از این فرم، از حفاری‌های نیشابور و ری در سده چهارم هجری به دست آمده است که دارای تزیین ساده‌ای است؛ گرچه در برخی موارد تزیین آنها منحصر به خطوط عمودی سیاه رنگ یا خیاره‌ای است، در دوره‌های بعد به‌ویژه در دوره سلجوقی و ایلخانی، نقوش و مضامین به‌کار رفته بر روی ظروف، غنای بیشتری یافته‌است. ۲. تأثیر

۶۸. بلر و بلوم، ۲۵۰.

تکنیک‌های تزیین این فرم سفالی را بر سفالینه‌های همانندی که از سوریه و مصر به دست آمده، می‌توان در استفاده از نقوش سیاه بر زمینه آبی (سیلهوتو) و خط ثلث به کار رفته در آبارلوهای مملوکی دانست که متأثر از مختصات هنری دوره ایلخانی بوده است؛ گرچه با گسترش این سفال به اروپا از تزیینات متنوع‌تری در ساخت آن استفاده شد. یکی از مهم‌ترین دلایل در خصوص همانندی بسیار زیاد تزیین، فرم و تکنیک به کار رفته در آبارلوهای ایران و این مناطق (جدول ۱) این است که بسیاری از هنرمندان ایرانی در سده‌های ششم تا هشتم هجری، در مناطق سوریه و مصر مملوکی حضور داشته‌اند؛ چنان‌که بقایای تزیین کاشی بعضی از عمارات قاهره نشان می‌دهد که کاشی‌کاران تبریزی در دهه ۷۳۰ و ۷۴۰ هجری کارگاهی در این شهر داشته‌اند.^{۶۹} بنابراین مهم‌ترین دلیل همانندی و گسترش این فرم سفالی را می‌توان در نقل و انتقال آثار هنری و سفالی و مهاجرت هنرمندان ایرانی به نواحی غربی جهان اسلام دانست؛ چنان‌که سفال‌گری چون غیبی توریزی (تبریزی) که اصالتاً ایرانی بوده، در کارگاه‌های سوری و سپس مصری به فعالیت سفال‌گری اشتغال داشته است.^{۷۰} گرچه با توجه به یافته شدن قدیم‌ترین فرم سفالی آبارلو از حفاری‌های نیشابور و ری، گسترش این فرم سفالی از ایران به نواحی غربی جهان اسلام و اروپا صورت پذیرفته، لیکن مضامین و تزیینات منقوش و حتی در بسیاری از موارد شیوه و تکنیک لعاب‌دهی از یکدیگر متمایزند، چنان‌که از شاخصه‌های سفالینه‌های ایران، چهره‌های مغولی، خط و اشعار فارسی است و در مقابل بسامد نقش طاووس نر و گل سوسن بر سفالینه‌های سوریه و مصر مملوکی، نشان‌دهنده به کارگیری مضامین و تزیینات بومی مناطق مختلف جهان اسلام (ایران، سوریه و مصر) و ساخت آنها در کارگاه‌های متعدد است. به هر روی، سوریه به‌ویژه شهر رقه در سده هشتم هجری، جایگاه ویژه‌ای در تولید سفالینه لعابدار صدفی و ظروف دارویی داشته است؛ چنان‌که در کتیبه یکی از این ظروف، به ساخت آن توسط یوسف در

۶۹. بلر و بلوم، ۱۹۱.

۷۰. بهنسی، ۳۵۷.

دمشق برای اسد اسکندرانی اشاره شده است که از این ظروف در کشتی‌ها برای حمل اجناسی چون روغن، ضماد، ادویه و داروها به اروپا استفاده می‌کردند.^{۷۱} تزیین سفال‌هایی با رنگ‌های آبی و سیاه زیرلغابی و با لعاب آبی رنگ با طراحی زرین‌فام و طلائی و خط نگاره مملوکی (نوعی رَنک موسوم به خرطوش)^{۷۲}، حاکی از تولید این ظروف در منطقه سوریه است. استفاده از رنگ سیاه بر زمینه آبی، و قلم ثلث بلند از تأثیرات هنر سفال‌گری ایران بر تولیدات سوریه و مملوکان است که نمونه‌های آن در بناهای دوران ایلخانی ایران نیز به‌روشنی دیده می‌شود.

نتیجه

براساس نمونه‌های مطالعه‌شده پژوهش حاضر، به‌طور کلی مشخصه عمده این فرم سفالی را می‌توان در بدنه استوانه‌ای و تا حدودی مقعر (گلدانی شکل)، بدنه محدب (خمچه مانند با قطر بدنه حدود ۱۷ تا ۱۹ سانتی‌متر) گردن کوتاه و در بسیاری موارد لبه به خارج برگشته شناخت. ارتفاع این سفال‌ها در نمونه‌های مورد مطالعه ۱۵ تا ۳۸ سانتی‌متر، و در بسیاری از موارد قطر دهانه ۹ تا ۱۲ سانتی‌متر است؛ گرچه با توجه به ارتفاع نمونه‌های درپوش‌دار مورد مطالعه احتمالاً قطر دهانه کمتر از ۹ سانتی‌متر نیز وجود داشته است. سفال آلبارلو از سده چهارم هجری تا پایان دوره ایلخانی در ایران رواج داشته است؛ از قدیم‌ترین یافته‌های این گونه سفالی، نمونه‌هایی منسوب به ری است. تکنیک‌های متنوع دیگری چون لعاب تک-رنگ، لعاب پاشیده، سیلهوتو، فیروزه قلم مشکی و زرین‌فام در تولید این سفال به‌کار رفته است. بیشترین یافته‌های کنونی چنین سفالی با تکنیک زرین‌فام در موزه‌های بزرگ جهان وجود دارد که با عنوان نادرست گلدان شناخته می‌شوند. تنوع شکلی و تزیینات متنوع آلبارلوهای مورد بررسی زرین‌فام نشان‌دهنده توجه جدی مراکز سفال‌گری این تکنیک به

۷۱. بلر و بلوم، ۲۶۴.

۷۲. برند، ۱۱۲.

ظروف سفالی آلبارلو: شناخت و طبقه‌بندی آنها در جهان اسلام ۴۳/

ساخت این ظروف کاربردی بوده است. در مناطق غربی جهان اسلام تولید این فرم سفالی در تکنیک‌های محدودی چون لعاب تک‌رنگ، فیروزه قلم مشکی و زرین‌فام و آبی و سفید بوده و تنوع چندانی در تزئین و فرم آنها دیده نمی‌شود. برای نمونه آلبارلوهای بدنه محدب در مصر و سوریه تنها با تکنیک قلم مشکی و زرین‌فام مشاهده شده است و از نظر تنوع نقوش و تزیینات، مشابه نمونه‌های ایرانی نیستند. حضور سفال‌گران ایرانی، چون یوسف و غیبی در مراکز سوری از جمله در رقه، قرینه‌ای بر تأثیرپذیری مراکز مملوکی از هنر ایرانی است که این موضوع و سیر مهاجرت‌ها و چگونگی این اثرپذیری را می‌توان در پژوهشی مستقل مطالعه و بررسی کرد.

کتابشناسی

- اتینگهاوزن، ریچارد، گرابر، الگ، هنر و معماری اسلامی (۱)، ترجمه دکتر یعقوب آژند، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، تهران، ۱۳۸۳ ش.
- اکبری، راحله، «بررسی و مطالعه مجموعه سفال‌های زرین‌فام مخزن موزه چهلستون»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه هنر اصفهان (منتشر نشده)، ۱۳۹۱ ش.
- آلن، جیمز ویلسن، سفالگری اسلامی، ترجمه دکتر مهناز شایسته‌فر، موسسه مطالعات هنر اسلامی، تهران، ۱۳۸۳ ش.
- براری، میثم، سفال ساری قرون ۳ تا ۵ هجری قمری، گلدسته، اصفهان، ۱۳۹۴ ش.
- برند، باربارا، هنر اسلامی، ترجمه مهناز شایسته‌فر، موسسه مطالعات هنر اسلامی، تهران، ۱۳۸۳ ش.
- بلر، شیلا و بلوم، جانانان، هنر و معماری اسلامی (۲)، ترجمه یعقوب آژند، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۸۱ ش.
- بهنسی، عقیف، هنر اسلامی، ترجمه محمود پورآقاسی، انتشارات سوره مهر، تهران، ۱۳۸۷ ش.
- توحیدی، فائق، فن و هنر سفالگری، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، تهران، ۱۳۸۴ ش.
- دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، جلد ۷، زیرنظر دکتر محمد معین و دکتر سید جعفر شهیدی، دانشگاه تهران.

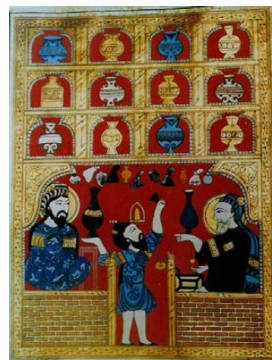
- دیمانده، موریس اسون، راهنمای صنایع اسلامی، ترجمه عبدالله فریار، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۹ ش.
- ذیلایی، نگار، «رنک، نشان‌های مصور در مصر مملوکی»، تاریخ و تمدن اسلامی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۳۸۶.
- رایس، تالبوت، هنر اسلامی، ترجمه ماه ملک بهار، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۶ ش.
- صدیقیان، حسین و پانته‌آ حاج ناصری، «سفال زرین‌فام قرون میانه اسلامی و مراکز تولیدی آن»، مجله مطالعات باستان‌شناسی دوران اسلامی، ش ۱، ۱۳۹۵ ش.
- کاشانی، ابوالقاسم عبدالله، عرایس الجواهر و نفایس الاطایب، به کوشش ایرج افشار، انتشارات لامعی، تهران، ۱۳۸۶ ش.
- کامبخش‌فرد، سیف‌الله، سفال و سفالگری در ایران از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر، تهران، ققنوس، ۱۳۸۰ ش.
- کریمی، فاطمه و کیانی، محمدیوسف، هنر سفالگری دوره اسلامی ایران، مرکز باستان‌شناسی ایران، تهران، ۱۳۶۴ ش.
- گرابر، الگ، شهر در جهان اسلام، ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند، نشر بصیرت، تهران، ۱۳۹۰ ش.
- گروبه، ارنست جی، سفال اسلامی، گردآوری دکتر ناصر خلیلی، نشر کارنگ، تهران، ۱۳۸۴ ش.
- الگود، سیریل، طب در دوره صفویه، ترجمه محسن جاویدان، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- محمدحسین بن خلف تبریزی، برهان قاطع، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۴۱ ش.
- مورگان، پیتر، سفال خمیر سنگی ایرانی دوران سلجوقی، مجموعه سفال اسلامی، گردآورنده ناصر خلیلی و استفان ورونیت، تهران، نشر کارنگ، ۱۳۸۴ ش.
- مهبجور، فیروز و صدیقیان، حسین، «بررسی سفال‌های اسلامی محوطه مشکین تپه پرنده در استان مرکزی»، مجله پیام باستان‌شناس، شماره دوازدهم، ۱۳۸۸ ش.
- نیستانی، جواد و روح‌فرو، زهره، ساخت لعاب زرین‌فام در ایران، آرمان شهر، تهران، ۱۳۸۹ ش.
- وارد، ریچل، فلزکاری اسلامی، ترجمه مهناز شایسته‌فر، مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، تهران، ۱۳۸۴ ش.
- واتسون، الیور، سفال زرین‌فام ایرانی. ترجمه شکوه ذاکری، انتشارات صدا و سیما تهران، ۱۳۸۲ ش.

- Akbarnia, Ladan, “the Route of the Travellers Egypt and Syria the Mamluk”, *the Worlds of Islam in the Collection of the Agha Khan Museum*, 2009, pp.124-135.
- Arnold, Thomas and Alfred Guillaume, *the Legasy of Islam*, London, Oxford, 1931.
- Haddon, Rosalind Anne Wade, Fourteenth Century fine Glazed Wares produced in the Iranian world, and comparisons with Contemporary ones from the Golden Horde and Mamluk Syria/Egypt, PhD Thesis. SOAS, University of London, 2011.
- Hall, A. R., A New Collection of Islamic Pottery, *Bulletin of the Museum of Fine Arts*, 1934, 32 / 58-67.
- Rackham, Bernard, *English medical pottery*, 1953, p.23.
- <http://cartelen.louvre.fr>
- <http://collections.vam.ac.uk>
- <http://www.qantara-med.org>
- Lane, A., *Later Islamic Pottery*, (second edition), London, 1971.
- Treptow, Tanya, Daily Life Ornamented the Medieval Persian City OF Rayy, Chicago: Oriental Institute Museum Publications, 2007, No.26.
- www.metmuseum.org/art/collection

تصاویر



تصویر ۱. ظرف داروسده نوزدهم میلادی، ایتالیا (منبع: وب سایت موزه ویکتوریا و آلبرت)



تصویر ۲. سرلوحه نسخه خطی کتابخانه ایاصوفیه با تصویر ظروف دارویی (Haddon, 2011: 228)



تصویر ۳. نگاره سده هفتم با تصاویری از یک عطاری و سفال‌های دارودان (گراپر، ۱۳۹۰، ۵۷)

ظروف سفالی آبارلوی: شناخت و طبقه‌بندی آنها در جهان اسلام / ۴۷



تصویر ۴. آبارلوی کتیبه دار موزه ملی سفال سورس (وبسایت قنطره)



تصویر ۵. آبارلوی کتیبه‌دار موزه لوور (akbarnia,2009 :134)



تصویر ۶. آبارلوی سوریه با رنگ گل زنبق (وبسایت موزه لوور)



تصویر ۷. ری، سده چهارم هجری، موزه هنرهای شرقی شیکاگو (Treptow, 2007: 34).



تصویر ۸. آلبارلوی لعاب پاشیده ساخت ری در سده ششم هجری، (وب سایت موزه ویکتوریا و آلبرت).



تصویر ۹. آلبارلوی فیروزه‌ای موزه هنرهای تزئینی اصفهان؛ مجموعه سماوی (نگارندگان).

ظروف سفالی آلبارلو: شناخت و طبقه‌بندی آنها در جهان اسلام ۴۹/



تصویر ۱۰. آلبارلوی تک رنگ مصری با بدنه خیاره‌ای (وب‌سایت موزه ویکتوریا و آلبرت).



تصویر ۱۱. ظرف سفالی آلبارلوی منتسب به ری (پوپ، ج نهم ۱۳۸۷، ۷۷۰).



تصویر ۱۲. ظرف سفالی آلبارلوی منتسب به ری (کریمی و کیانی، ۱۳۶۴، ۱۸۴).



تصویر ۱۳. آلبارلوی منتسب به ساوه موزه لوور (پوپ، ج نهم، ۱۳۸۷، ۷۴۷)



تصویر ۱۴. آلبارلوی مجموعه ریموند آرمزمی (پوپ، ج نهم ۱۳۸۷، ۷۴۱).



تصویر ۱۵. آلبارلوی سیلهوتو (وبسایت موزه بروکلین).

ظروف سفالی آبارلوی: شناخت و طبقه‌بندی آنها در جهان اسلام ۵۱/



تصویر ۱۶. آبارلوی منتسب به ایران (موزه ویکتوریا و آلبرت).



تصویر ۱۷. آبارلوی منتسب به رقه (وب سایت موزه ویکتوریا و آلبرت).



تصویر ۱۸. آبارلوی منتسب به ساوه موزه ملی ایران (توحیدی، ۱۳۸۴، ۳۲۹).



تصویر ۱۹. آلبارلوی زرین فام موزه ملی ایران (آرشیو موزه ملی ایران).



تصویر ۲۰. آلبارلوی زرین فام موزه چهلستون (اکبری، ۱۳۹۱، ۱۲۴).



تصویر ۲۱. آلبارلوی زرین فام سوریه منتسب به سده‌های ۶-۷ هجری (درگاه اینترنتی موزه lacma).

ظروف سفالی آبارلوی: شناخت و طبقه‌بندی آنها در جهان اسلام/ ۵۳



تصویر ۲۲. آبارلوی منتسب به کاشان (وب سایت موزه متروپلیتن).



تصویر ۲۳. آبارلوی منتسب به ایران (وب سایت موزه ویکتوریا و آلبرت)



تصویر ۲۴. آبارلوی مملوکی با کتیبه «نوفر» و رنگ زنبق (برند، ۱۳۸۳، ۱۱۱).



تصویر ۲۵. ظرف دارویی منتسب به سده هفتم هجری سوریه (محل نگهداری موزه لوور).



تصویر ۲۶. آلبارلوی سوریه با کلمه العافیة (Haddon, 2011: 228)



تصویر ۲۷. آلبارلوی بدنه محذب منتسب به سده هشتم سوریه (گروبه، ۱۳۸۴، ۲۶۴).

ظروف سفالی آلبارلو: شناخت و طبقه‌بندی آنها در جهان اسلام / ۵۵



تصویر ۲۸. آلبارلوی بدنه محدب منتسب به قرن هفتم هجری ایران (گروبه، ۱۳۸۴، ۱۸۳).



تصویر ۲۹. سفال بدنه محدب منتسب به سلطان آباد در نیمه نخست قرن هفتم هجری (lane, 1971: plate 1).